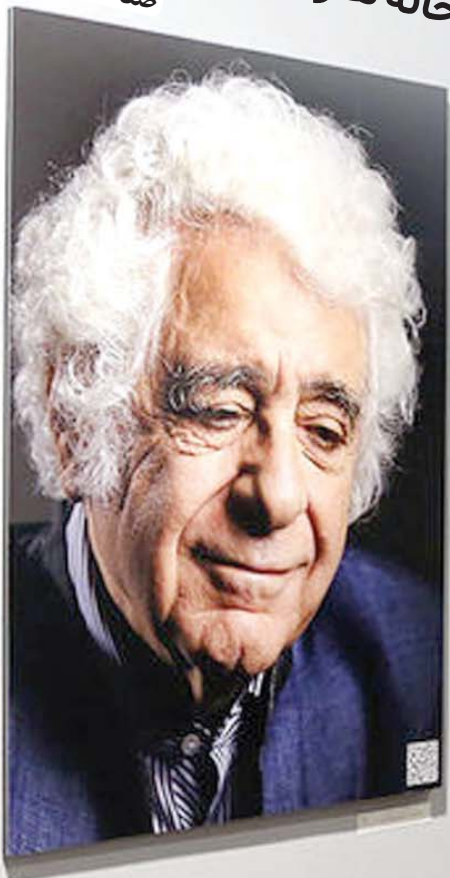


گردهمایی تصویری تئاتری‌ها

نمایشگاه چهره‌های نمایش ایران در خانه هنرمندان برپاست
صفحه ۱۰



فیلم در میثیان در نوبت اکران قرار گرفت

ارشاد چگونه فیلم‌ها را عصبانی می‌کند!
صفحه ۱۱

در جستجوی چهره‌سازی قرآنی
صفحه ۱۲

جدال سعدی با زمانه اول اردیبهشت، سالروز آغاز نگارش گلستان و روز بزرگداشت سعدی است

میان به نقد صوفیان نیز می‌پردازد؛ صوفیانی که تنها بظاهر صوفی اند و در باطن بویی از این طریقه و شیوه زیستن نبرده‌اند. صوفی یعنی کسی که اهل صفای دل است و درونش را از دوستی جاه و پول تهی کرده است. چنین کسی تنها به خدا می‌اندیشد و عارف است. اما صوفی سعیدی که توانگران را شتمانت می‌کند، به چنین صفاتی آراسته نبوده و تنها زبان به بدگویی توانگران باز کرده است. در پایان حکایت می‌بینیم قاضی رو به درویش می‌کند و می‌گوید: «تو که توانگران را سرگرم عیش و نوش دانستی، درست است که عده‌ای کوتاه همت در میان آنها پیدا می‌شود که تو کل به خداوند ندارند و کافر نعمت‌اند، اما گروهی از توانگران هم هستند که سفره نعمت را گسترده‌اند و دیگران را از مال خود می‌بخشند «خوان نعمت نهاده و دست کرم گشاده، طالب نامند و مغفرت و صاحب دنیا و آخرت.»



این از معدود حکایات ادبیات فارسی است که در آن فقر مورد ستایش قرار نمی‌گیرد و سعدی بر این مهم تأکید می‌کند اگر افراد یک جامعه نیازمند باشند و فقیر، نمی‌توانند آرامش خاطر داشته باشند. او فقر را ریشه بسیاری از مشکلات می‌بیند و آن را بنا به تعاریف صوفی داستان، نکوهش می‌کند و نمی‌پذیرد.

آن را هم برای جامعه بر می‌شمرد. دکتر سید محمدعلی سجادی، استاد دانشگاه شهید بهشتی می‌گوید: جدال سعدی با مدعی در بیان توانگری و درویشی، نمایشنامه‌ای است که سعدی نوشته، کارگردانی کرده و نقش‌هایش را هم بازی کرده است. او همه نقش‌ها را خود بازی می‌کند، اما در این

حالا تصور کنید در دوره‌ای که چنین نظریه‌ای غالب است، سعدی ناگهان بر می‌خیزد و فقر را دیگر گونه نگاه می‌کند و وارد مسیرهایی می‌شود که هر چند در روزگار ما مطرح نبوده و هر یک تعریف جداگانه‌ای در علوم دارند، اما در عصر سعدی نبوده‌اند. او فقر را نه از نگاه عارفانه، بلکه از نگاه اجتماعی و اقتصادی بررسی می‌کند و تبعات

اول اردیبهشت ۶۵۶ هجری بوده و حدود یک سال از پایان نگارش بوستانش می‌گذشته که نوشتن گلستان را آغاز کرده است. یعنی درست چنین روزی در هفت قرن پیش، سعدی شاعر، نویسنده و اندیشمند بزرگ کشورمان تصمیم می‌گیرد گلستانی خلق کند که هیچ خزان و زمستانی طراوت گل‌ها و برگ‌هایش را از دست ندهد و بهارش دائمی باشد. چنانچه خودش در دیباچه این کتاب چوایان می‌گوید: «باد خزان را بر ورق او دست تظاول نباشد و گردش زمان عیش ربیبش را بطیش خریف مبدل نکند.»

بعد هم می‌گوید: به چه کار آیدت گل طبعی از گلستان من ببر ورقی گل همین پنج روز و شش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد حالا پس از گذر سالیان دراز، گلستانش هنوز خوش است و بهارش همیشگی، سعدی اندیشمند اما مانند اغلب دیگر چهره‌های برجسته و بزرگ زبان فارسی تک بعدی پیش نمی‌رود. مولانا غزل و حافظه در غزل عاشقانه-عارفانه تا اوج می‌رود. سعدی غزل عاشقانه را و حافظه در غزل عاشقانه-عارفانه تا اوج می‌رود. سعدی اما به همین مسیر بسنده نمی‌کند. مرد سفرهای دور و دراز است و تجربه‌های بی‌شماری

اول اردیبهشت ۶۵۶ هجری بوده و حدود یک سال از پایان نگارش بوستانش می‌گذشته که نوشتن گلستان را آغاز کرده است. یعنی درست چنین روزی در هفت قرن پیش، سعدی شاعر، نویسنده و اندیشمند بزرگ کشورمان تصمیم می‌گیرد گلستانی خلق کند که هیچ خزان و زمستانی طراوت گل‌ها و برگ‌هایش را از دست ندهد و بهارش دائمی باشد. چنانچه خودش در دیباچه این کتاب چوایان می‌گوید: «باد خزان را بر ورق او دست تظاول نباشد و گردش زمان عیش ربیبش را بطیش خریف مبدل نکند.»

بعد هم می‌گوید: به چه کار آیدت گل طبعی از گلستان من ببر ورقی گل همین پنج روز و شش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد حالا پس از گذر سالیان دراز، گلستانش هنوز خوش است و بهارش همیشگی، سعدی اندیشمند اما مانند اغلب دیگر چهره‌های برجسته و بزرگ زبان فارسی تک بعدی پیش نمی‌رود. مولانا غزل و حافظه در غزل عاشقانه-عارفانه تا اوج می‌رود. سعدی اما به همین مسیر بسنده نمی‌کند. مرد سفرهای دور و دراز است و تجربه‌های بی‌شماری

یادداشت



دکتر علی اصغر دادبه
استاد فلسفه اسلامی و ادبیات عرفانی

سعدی و نظریه اخلاقی ایرانی

کم‌آزاری بنیاد و جوهره اخلاق ایرانی و اساس حکمت عملی در نظر خردمندان ایران زمین به شمار می‌آید. هم اصل دین مغان کم‌آزاری است و هم اصل دین مبین اسلام. سعدی در مقام فردوسی ثانی، وارث میراث ادب و حکمت خراسان و نظام‌بخش و سامان‌دهنده زبان و ادب پارسی و حکمت ایرانی پس از حمله مغولان چون دیگر اندیشمندان بزرگ ایران زمین به اصول فلسفه و به اساس اندیشه ایرانی و از جمله به اصل کم‌آزاری توجه خاصی نشان می‌دهد و در طراحی آرمانشهر خود در بوستان، این اصل اساسی را پیوسته پیش چشم می‌دارد و همانند دیگر متفکران ایرانی آن را بنیاد فضایل اخلاقی به شمار می‌آورد.

این معانی و در رأس آنها کم‌آزاری، هم در زندگی فردی معنا دارد و سبب تهذیب اخلاق فردی می‌شود، هم در زندگی جمعی؛ در جمع خانواده و در جمع جامعه. هم رعیت به زبان دیروز و شهروند به زبان امروز را نیک می‌پورده، هم سلطان و حکمران دادگر داد ده را و از آنجا که همواره نقش حاکمان و حکومت‌گران در اصلاح جامعه، نقشی اساسی به شمار می‌آمده است، به این مهم توجه بسیار نشان می‌دهد.

این بایدها و دستورالعمل‌های حکمی - اخلاقی و ده‌ها دستورالعمل دیگر از این گونه که با تأمل در بوستان، به طور خاص و جست و جو در دیگر آثار سعدی به طور عام توان یافت، خردمندانه‌ترین و در عین حال انسانی‌ترین و اخلاقی‌ترین دستورالعمل‌هایی است که به کار گرفتن آنها از سوی حکومت‌گران، موجب تحقق جامعه‌ای مطلوب با همان آرمانشهر می‌گردد؛ «بایدها» و دستورات اخلاقی‌هایی که اگر نیک بنگریم، جمله از کم‌آزاری بر می‌خیزد و هیچ تازگی خود را از دست نمی‌دهد و با معیارهای دموکراسی این روزگار هم سخت سازگار است.

اما در باب نظریه کم‌آزاری باید نکته مهمی را بیان کرد که معمولاً تصور می‌شود نظریه‌های اخلاقی متفکران ایران در دوره اسلامی مقتبس از نظریات یونانی، بویژه نظریه‌های افلاطون و ارسطوست.

گرچه متفکران ایرانی در این اقتباس هم ابتکارهای خاص خود را دارند و یکسره از نظریه‌های یونانی تقلید نکرده‌اند.

اما در جنب این ابتکارها آنچه اصل می‌نماید همان نظریه اخلاقی ایرانی است که ریشه در اندیشه‌های ناب متفکران این مرز و بوم دارد و آن نظریه اخلاقی موسوم به «کم‌آزاری» است که اگر نیک تأمل کنیم، می‌توانیم آن را در آن سوی تاریخ ایران در کهن‌ترین آرای متفکران ایرانی باز یابیم که به تعبیر جامی «اصل دین مغان کم‌آزاری است» و با تأمل در آرای متفکران دوران اسلامی نیز به این نتیجه دست یابیم که آنان نیز به این نظریه انسانی-الهی توجه خاص داشته‌اند و در طراحی نظریه‌های اخلاقی خویش از آن تأثیر اساسی پذیرفته‌اند که به گفته ناصر خسرو جوهره مسلمانی هم چیزی جز کم‌آزاری نیست و گزاردن حق مردم و استقرار عدالت در پرتو کم‌آزاری محقق می‌گردد و این از آن روست که در نگاه متفکران ایران زمین تا وقتی کم‌آزاری تحقق نیابد، هیچ فضیلتی محقق نمی‌گردد و بهشت امن و آرامش و سعادت بنیاد نمی‌شود.

همین سخن و همین نظریه است که در بینی عامیانه و مردمی این سان بیان شده و قرن‌ها و زبان بوده است: بهشت آنجا است کم‌آزاری نباشد کسی را یا کسی کاری نباشد که پیداست مراد از این کار و کار داشتن همان مردم آزاری است و کارنداشتن کم‌آزاری!

یاد بعضی نفرات ...

شاعر و نقاش لحظه‌ها



هر چند اهل کاشان بود و روزگار هم به گفته خودش بد نبود، اما پس از دریافت دیپلم به تهران آمد و اول اردیبهشت ۱۳۵۹ در همین شهر در گذشت. حتماً می‌دانید از چه کسی حرف می‌زنیم؛ شاعر و نقاشی که حالا در نبودش آثارش به قیمت‌های کلان فروش می‌روند و شعرهایش هم که نمودی از نگاه او به زندگی در عرصه هستی است، هنوز خواننده دارد.

سهراب سپهری شاعر و نقاشی بود که اهل سفر و تجربه‌اندوختی بود و به هستی و جهان پیرامونش نگاهی زیبا و متفاوت داشت که می‌توان آن را لایه لای شعرها و نقاشی‌هایش یافت. این دو عکس دوبرش از زندگی سهراب است. در عکس اول او در زاین همراه همخانه اش مقابل دوربین نشسته و عکسی به یادگار گرفته اند و در عکس بالا، تصویری از یکی از نقاشی‌هایش را می‌بینیم که در آن بخوبی تأثیرات فرهنگ ژاپن مشهود است. این اثر همراه با بسیاری از دیگر آثار سهراب، در موزه صنعتی شهر کرمان نگهداری می‌شود.

دل به پاییز نسپرد بود



خودش سروده بود: «سرایا اگر زرد و پژمرده ایم / ولی دل به پاییز نسپردیم» امروز تولدش است. تولد او که هرگز دل به پاییز نسپرد و هر چند در سال‌های اوپسین عمرش سخت بیمار بود، همیشه نام و نشان و حضور و آثارش بهار بود و البته هنوز هم بهار است. درست مانند ماه تولدش اردیبهشتی بود و در ذهن‌ها هم اردیبهشتی ماند. قیصر امین پور شاعر جامعه بود، پشت حرف‌ها و عاشقانه‌هایش هم همیشه درد جامعه و مردم وجود داشت.

همچنین شعرهای امین پور از حیث بلاغی ارزشمند بوده و بر ظرفیت‌ها و توانمندی زبان فارسی افزوده است. او توانسته ویژگی‌های سبکی و بلاغی شعر کلاسیک و شعر نیما را با شعرهایش تلفیق کند. یکی از عواملی که در نهایت باعث برجستگی سبکی او است، نوآوری در بلاغت و درک انتظار مخاطبان امروز از شعر است. در این عکس زنده یاد قیصر امین پور کنار استاد غزل معاصر زنده یاد محمدحسین شهریار ایستاده و قاب خاطر انگیزی رقم خورده که تماشايش لذت بخش است.